

A Study of the Intellectual Level of Parvin Etesami's Poetic Style in the Ode to the Enchanted World "based on Jacobsen's theory of verbal communication

Maryam Khodadadi^۱, Rajab Fakhryan^۲, Mohammad GhaderiMoghaddam^۳

Abstract

As a committed and popular poet, Parvin Etesami has given great importance to group concerns in her poems. In this regard, he has an educational look in the poem "This black snake has made the world enchanting" and explains a set of moral do's and don'ts, and uses his words in the best way to communicate with a general and specific audience. The main purpose and issue of the present study is to address the quality of representation of the teachings of Andarzi in the poem based on the principles of Jacobsen's theory of verbal communication. The reason for using Jacobsen's theory is that he has referred to the various dimensions of the recipient (addressee) and sender (creator) communication aspects in his views. Therefore, by using it, new angles of the intellectual level of Parvin's poetry style can be examined. The results show that the motivating role of language in this poem has been to lead the audience to perform moral duties and avoid the shortcomings of the secretary. Relying on the role of empathy, the poet has highlighted the role of the audience in reading and understanding the text. The emotional role expresses the dominance of Parvin's social self over her personal self. The referential role expresses the poet's attempt to explain the concept of secularism with emphasis on religious and mystical components. The literary role demonstrates the power of Parvin's illustration to arouse the audience's aesthetic sense and add to his understanding. The role of metalanguage in this poem has been formed by using simple and quick animal codes, which provides access to a wider range of audiences to the content of his poems.

Keywords: Parvin Etesami, ode "This black snake has made the world enchanting", level of thought, Jacobsen, verbal communication.

^۱PhD Student in Persian Language and Literature, Department of Persian Literature, Shirvan Branch, Islamic Azad University, Shirvan, Iran. khodadadi.maryam^{۱۳۹۹}@gmail.com

^۲ Assistant Professor of Persian Literature, Shirvan Branch, Islamic Azad University, Shirvan, Iran. (Corresponding Author) Rf^{۱۳۹۹}·@yahoo.com

^۳ Assistant Professor of Persian Literature, Shirvan Branch, Islamic Azad University, Shirvan, Iran. Mghaderim^{۱۳۹۹}@yahoo.com

References

A) Books

- ۱- AlaviMoghadam, Mahyar (۱۹۹۸), Theories of Contemporary Literary Criticism, Tehran, Samt.
- ۲- Babaei, MohammadTaghi (۲۰۰۵), Parvin Etesami's Divan, ۲ edition, Tehran, Negah.
- ۳- Bagheri, Mehri (۱۹۹۵), Linguistics Articles, Tehran, Payame Noor University.
- ۴- ChavoshAkbari Tabrizi, Rahim (۲۰۰۱), Lady's Persian Poetry, Life and Poetry of Parvin Etesami, ۲ Edition, Tehran, Sales.
- ۵- Etesami, Parvin (۱۹۵۵), Divan, by the efforts of Abolfath Etesami, ۴ edition, Tehran, Majles Press.
- ۶- Giro, Pier (۲۰۰۱), Semiotics, translated by Mohammad Nabavi, Tehran, Agah.
- ۷- Jacobsen, Roman, (۱۹۹۷), Basic trends in language knowledge, translated by Cyrus Safavi, Tehran, Hermes.
- ۸- _____ (۲۰۰۱), Linguistics and Poetry, translated by Cyrus Safavi, Tehran, Hermes.
- ۹- Mackarik, Irna (۲۰۰۶), Encyclopedia of Contemporary Literary Theories, translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi, Tehran, Agah.
- ۱۰- Safavi, Cyrus (۲۰۰۱), From Linguistics to Literature, Tehran, Sureh Mehr.

B) Articles

- ۱۱- Ghodsi, Abbas (۲۰۰۳), "A new look at the poetry of Parvin Etesami, our lightning is the oppression of the rich", Sureye Andisheh Magazine, No. ۵, pp. ۴۷-۵۳.
- ۱۲- Modarreszadeh, Abdolreza and Arbab Soleimani, Sedigheh (۲۰۱۶), "Femininity of educational literature, Parvin's savior from the anxiety of influence", Journal of Educational Literature, Vol ۸, No ۲۹, pp. ۹۱-۱۲۰.
- ۱۳- Nourayi, Elyas and Azizi, Lida (۲۰۱۵), "Grammar of Narrative in Educational Literature (Relying on the Structure of Narration and the Place of Listen Narration in Parvin Etesami's Debates)", Journal of Educational Literature, Vol ۷, No ۲۵, pp. ۱۸۵-۲۱۱.
- ۱۴- Sadeghi, Leila (۲۰۱۰), "The role of communication silence in reading fiction texts", Journal of Persian Literature Research, No. ۱۹, pp. ۲۱۱-۱۸۷.
- ۱۵- Sadrayi, Roghayeh (۲۰۱۶), "Analysis of educational teachings in the intertextual study of two works (Parvin Etesami and Anvari)", Journal of Educational Literature, Vol ۸, No ۲۹, pp. ۱۵۳-۱۷۰.
- ۱۶- Shahsavari, Anousheh and Zahedi, Hamid (۲۰۰۹), "Reference presentation for Persian language communication functions", Journal of Linguistics, Al-Zahra University, Vol ۱, No ۱, pp. ۷۳-۹۷.
- ۱۷- Sharifpour, Enayatollah and Marjazadeh, Saeedeh (۲۰۱۴), "Study of the reflection of Parvin Etesami's spirits in his moral advice", Journal of Educational Literature, Vol ۶, No ۲۲, pp. ۶۵-۹۶.

فصل‌نامه علمی جستارنامه ادبیات تطبیقی

سال ششم، شماره بیستم، تابستان ۱۴۰۱

بررسی سطح فکری قصیده «این سیه مار جهان را شده افسونگر» از پروین اعتصامی

بر اساس نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن

مریم خدادادی^۱، رجب فخرانیان^۲، محمد قادری‌مقدم^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

صص (۲۷-۵۲)

چکیده

پروین اعتصامی به عنوان شاعری متعهد و مردمی، در اشعار خود به دغدغه‌های گروهی اهمیت بسیاری داده است. او در این راستا در قصیده «این سیه مار جهان را شده افسونگر»، نگاهی تعلیمی دارد و مجموعه‌ای از بایسته‌ها و نیایدهای اخلاقی را تشریح می‌کند و کلام خود را به بهترین نحو برای برقراری ارتباط با مخاطب عام و خاص به کار می‌گیرد. هدف و مسأله اصلی پژوهش حاضر، پرداختن به کیفیت بازنمایی آموزه‌های اندرزی در شعر مذکور بر اساس مبانی نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن است. دلیل استفاده از نظریه یاکوبسن این است که او در آراء خود به ابعاد گوناگون سویه-های ارتباط‌گیری گیرنده (مخاطب) و فرستنده (خالق اثر) اشاره کرده است. از این رو، با کاربست آن می‌توان زوایای جدیدی از سطح فکری سبک شعر پروین را بررسی کرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نقش ترغیبی زبان در این شعر برای سوق دادن مخاطب به انجام بایسته‌های اخلاقی و پرهیز از کاستی‌های منشی بوده است. شاعر با تکیه بر نقش همدلی، نقش مخاطب را در خوانش و درک متن برجسته‌تر کرده است. نقش عاطفی، بیانگر چیرگی من اجتماعی پروین بر من فردی اوست. نقش ارجاعی، بیانگر تلاش شاعر جهت شرح مفهوم دنیاگریزی با تأکید بر مؤلفه‌های دینی و عرفانی است. نقش ادبی مبین قدرت تصویرگری پروین برای برانگیختن حس زیبایی‌شناسی مخاطب و افزودن بر قدرت درک وی است. نقش فرازبانی در این شعر، با بهره‌گیری از رمزهای حیوانی ساده و زودیاب شکل گرفته است که این ویژگی دسترسی طیف وسیع‌تری از مخاطبان را به محتوای اشعار او فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: پروین اعتصامی، قصیده «این سیه مار جهان را شده افسونگر»، سطح فکری، یاکوبسن، ارتباط

کلامی.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه ادبیات فارسی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران.

khodadadi.maryam5252@gmail.com

۲- استادیار گروه ادبیات فارسی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران. (نویسنده مسئول) Rf290@yahoo.com

۳- استادیار گروه ادبیات فارسی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران. Mghaderim52@yahoo.com

۱. مقدمه

تخلوق به موضوعات تعلیمی و اخلاقی، مسیر زندگی آدمی را با تغییرات شگفتی مواجه می‌سازد و به او در ساختن شخصیتی انسانی و کمال‌یافته یاری می‌دهد. بر اساس این پیش‌انگاره، جوامعی که به نهادینه‌سازی اخلاق به عنوان یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها توجه نشان می‌دهند، از ظرفیت‌های تمدن‌سازی افزون‌تری برخوردار هستند. یکی از بسترهای اصلی برای بازنمایی مسائل تعلیمی و انتقال آن به مخاطب، حوزه ادبیات است. آثاری که در قالب نثر و نظم در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرند، حاوی پیام‌های متنوعی هستند که از سوی فرستنده خلق شده و در اختیار گیرنده قرار می‌گیرند.

تکنیک‌ها و شیوه‌هایی که ادیبان برای انعکاس اخلاقیات در آثار ادبی برمی‌گزینند، یکسان نیست و از گونه‌گونی برخوردار است، اما همه آن‌ها در این هدف مشترک یعنی تعالی‌بخشی به نوع بشر مشترک هستند. بنابراین، انسان باید به واسطه خلق و تولید یک متن ادبی و خوانش آن به رشد و بالندگی شخصیتی و معنوی دست پیدا کند. این‌جاست که خویش‌کاری یک شاعر هویدا می‌شود. او باید مرزهای بینش خود را ورای مسائل شخصی و فردی برده و به مخاطبان خویش که از طیف‌های فکری و رفتاری گوناگونی هستند، فکر کند و بر پایه این پیش‌انگاره در اندیشه رسیدن به راهی برای برقراری ارتباط دوسویه و پویا با آن‌ها باشد. به عبارتی، باید متنی آفریده شود که در جذب مخاطب موفق باشد و شکاف‌های بین شنونده و گوینده را کاهش دهد.

زبان به عنوان ابزار اجتماعی - که افراد آن را به منظور ارتباط با دیگران به کار می‌گیرند - از کاربردهای گوناگونی برخوردار است که این امر، سبب پیدایش گونه‌های مختلف زبانی همچون: زبان ادبی، علمی و روزمره شده است. بدیهی است که هرکدام از این انواع برای رفع نیازهایی خاص به کار گرفته می‌شوند و دارای خویشکاری مشخصی هستند که گاهی کاملاً متفاوت از هم بوده و گاهی شباهت‌هایی میان آنها دیده می‌شود. در این بین، زبان ادبی که شعر با رویکرد به مبانی آن سروده می‌شود، برای بازنمایی، تبیین و انتقال احساس و عاطفه از شاعر یا نویسنده به مخاطبان مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، در این زبان همواره نوعی ارتباط شکل می‌گیرد. در دوران معاصر، بر مؤلفه‌های تولید پیام، مولد و گیرنده پیام، محتوای پیام و ... تأکید شده و نظریه‌های مختلفی درباره آن ابداع شده است. رومن یاکوبسن (Roman Jakobson) از جمله این شخصیت‌هاست که با خلق نظریه ارتباط کلامی (communicative actin) سعی کرده است این فرآیند را قاعده‌مند کند. او باور دارد پیام از یک منبع صادر می‌شود و در اختیار یک منبع قرار می‌گیرد. در

این بین، نقش‌هایی وجود دارند که در بطن این پیام گنجانده شده‌اند و مقاصد خالق پیام را محقق می‌سازند. به عبارت دیگر، با کاربست این نقش‌ها، محتوای پیام‌ها و مفاهیم مستتر در آن، متفاوت می‌شود و یک پیام به شیوه‌های گوناگون در اختیار مخاطب به عنوان سویه دوم ارتباط کلامی قرار می‌گیرد.

یاکوبسن در نظریه خود بر کارکردهای فردی و اجتماعی زبان تأکید می‌کند و به تبیین ابعاد گوناگون آن می‌پردازد. در نتیجه، چندسونگری در این الگو باعث شده است تا یکی از کامل‌ترین و جامع‌ترین طرح‌ها در زمینه ارتباط کلامی باشد. در الگوی یاکوبسن، شش نقش زبانی در نظر گرفته شده است: ۱. ادبی (Poetic function) ۲. عاطفی (Emotive function) ۳. ترغیبی (Conative function) ۴. فرازبانی (Metalinguistic function) ۵. ارجاعی (Referential function) ۶. همدلی (Conative function) (یاکوبسن، ۱۳۷۶: ۱۸۵).

با کاربست این نظریه امکان خوانش متون ادبی و کیفیت نگرش خالقان آثار از پرداختن به مسائل مختلف از جمله موضوعات تعلیمی و اخلاقی، و نیز بازنمایی لایه‌های فکری طرح‌شده در متن و در نگاهی کلی، آشنایی با سبک ادبی خالق اثر فراهم می‌شود.

۱-۱. بیان مسأله

در میان شاعران معاصر که با پای‌بندی به قواعد عروض کلاسیک فارسی، آثاری خلق کرده‌اند، پروین اعتصامی چهره‌ای شاخص محسوب می‌شود. او با تکیه بر قدرت شاعرانگی، ذوق کم‌نظیر ادبی و نیز، آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی به شعر سرایی روی آورد و بسیاری از دغدغه‌های خود را تشریح نمود. پروین در فضای مردانه شعر فارسی، جایگاه خود را استحکام بخشید و تحسین بسیاری از هم‌صنفان خود را برانگیخت. یکی از سویه‌های اصلی سبک اشعار او، تبیین موضوعات اخلاقی و تعلیمی است که بر محوریت تولید پیام و انتقال آن به مخاطب می‌گردد. او با توجه به رسالت و خویشکاری ادبی که برای خود در نظر گرفته بود، شعر را ابزاری کارآمد و اثرگذار برای آگاه‌سازی مردم نسبت به مسائل مختلف می‌دانست و بر این پایه، با دقت و ژرف‌نگری خاصی به تولید پیام و انتقال آن به مخاطبان می‌پرداخت. شعرهای پروین به صورت هدفمند و حکیمانه برای گروه هدف سروده شده و با کاربست تکنیک‌های گوناگون در اختیار مخاطبان قرار گرفته است.

یکی از جهت‌گیری‌های فکری پروین در آیین اشعار که منجر به شکل‌گیری سبک ویژه او شده، پرداختن به مسائل اخلاقی و تعلیمی است؛ زیرا او بسیاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی را ناشی از

بی توجهی به این مفاهیم کمال آفرین و معرفت افزا می‌داند. در نتیجه، دیوان شاعر مشحون از پیام‌های اخلاقی و اندرزی است که برای ایجاد تحولات شناختی در مخاطب خلق شده‌اند. از جمله اشعار مهم پروین که با رویکردی انتقادی به تبیین آموزه‌های تعلیمی می‌پردازد، «این سیه مار جهان را شده افسونگر» نام دارد. او در این اثر، اخلاقیات را با مسائل فرهنگی و اجتماعی درآمیخته و ترکیبی شعور آفرین پدید آورده است. به عبارت دیگر، پروین با در نظر گرفتن شرایط وقت، این شعر را سروده و در آن به بازنمایی مجموعه‌ای از آموزه‌ها پرداخته است.

هدف و مسأله اصلی در این مقاله، پرداختن به کیفیت پیام‌های تولید شده از جانب پروین اعتصامی (در ابتدا) و بازنمایی سطح فکری سبک شعری او (در گام بعدی) در قصیده مذکور است. بدین منظور، از نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن استفاده شده است تا نشان داده شود که شاعر برای تشریح آراء اخلاقی خود از چه شگردهای زبانی و فرازبانی استفاده کرده است. سؤالات اصلی این پژوهش عبارتند از: الف) اصلی‌ترین آموزه اخلاقی و تعلیمی در قصیده «این سیه مار جهان را شده افسونگر» کدام است؟ ب) آموزه‌های اخلاقی در شعر مذکور با مسائل فرهنگی و اجتماعی چه ارتباطی دارد؟ ج) پروین اعتصامی در بازنمایی پیام‌های اخلاقی مورد نظر خود از چه تکنیک‌های ارتباط کلامی استفاده کرده است؟ د) کاربست نظریه یاکوبسن چه تأثیری در تحلیل آراء اخلاقی شاعر و درک سبک شعری وی دارد؟

۲-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

با کاربست این نظریه امکان خوانش متون ادبی و کیفیت نگرش خالقان آثار از پرداختن به مسائل مختلف از جمله موضوعات تعلیمی و اخلاقی فراهم می‌شود و تحلیل‌های نوینی از ظرفیت‌های ادبی شعر پروین ارائه می‌شود. به بیان دیگر، می‌توان متن تولیدی از سوی شاعری چون پروین را از دریچه‌ای جدید بررسی و کنکاش نمود و مسائل سودمند و کاربردی را به واسطه این نظریه‌ها استخراج کرد و به کار بست. نظریه‌های ادبی به این دلیل که دارای چهارچوب و قاعده‌ای مشخص و تقریباً ثابت هستند، مانع تشت آراء و پراکنده‌گویی در ارائه تحلیل‌ها می‌شوند.

۳-۱. روش تحقیق

این تحقیق بر اساس روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات، منابع کتاب‌خانه‌ای و مجلات معتبر پژوهشی مورد نظر بوده است. همچنین، جامعه آماری تحقیق، قصیده «این سیه مار جهان را شده افسونگر» بوده و برای تحلیل نظرات پروین اعتصامی از نظریه ارتباط کلامی

رومن یاکوبسن استفاده شده است. ساختار کلی مقاله به این صورت است که ابتدا به ابعاد گوناگون نظریه مذکور اشاره شده و در بخش اصلی، ذیل عناوین مختلف، تأثیر نقش‌های زبانی و فرازبانی در انعکاس پیام‌های اخلاقی و تعلیمی در شعر مذکور، بررسی و کاویده شده است.

۴-۱. مبانی نظری تحقیق

۴-۱-۱. **نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن:** در نظریه یاکوبسن بر این اصل تأکید می‌شود که اشتراک‌گذاری پیام با مخاطب نیازمند زمینه‌ای است تا بتوان در چهارچوب کلام آن را تبیین کرد تا در نهایت، مخاطب با آن ارتباط برقرار کند. به عبارت دیگر، وجود یک رمز یا نشانه روانی یا فیزیکی تقریباً مشترک میان گوینده و مخاطب در پیام ارسالی، عنصری مهم برای تحقق هدف اصلی یعنی ارتباط‌گیری کلامی است. طبق الگوی یاکوبسن، فرستنده پیامی را برای گیرنده می‌فرستد. بنابراین، ما با فرآیند دوسویه در امر ارتباط‌گیری مواجه هستیم. یعنی هم فرستنده و گیرنده در رسانایی پیام تولیدشده نقشی مهم دارند. یاکوبسن شش عنصر را در شکل‌گیری کنش ارتباطی مؤثر می‌داند که عبارتند از: فرستنده یا رمزگذار؛ گیرنده یا رمزگردان؛ رمز، پیام، موضوع و مجرای ارتباطی. بر مبنای این دسته‌بندی، می‌توان شش نقش زبانی (ادبی؛ عاطفی؛ ترغیبی؛ فرازبانی؛ ارجاعی؛ همدلی) را متصور بود که در ادامه توضیح داده می‌شوند.

۴-۱-۱-۱. **نقش ادبی:** هنگامی که مرجع پیام، خود پیام است و ارتباط پیامی به سوی پیام‌گرایش دارد، نقش یا کارکرد ادبی زبان برجسته و حائز اهمیت است. یاکوبسن از نقش ادبی زبان با عنوان نقش شعری یاد می‌کند. بنابراین، هنگامی که این نقش در پیامی برجسته می‌شود، هدف گوینده، بازنمایی حس زیبایی‌شناسی خود و برانگیختن حس مخاطب است.

۴-۱-۱-۲. **نقش عاطفی:** این نقش زبان، تأثیری از احساس خاص گوینده را به وجود می‌آورد. منشأ صدور این نقش از فرستنده است و به آن تکیه دارد.

۴-۱-۱-۳. **نقش ترغیبی:** می‌توان گفت هنگامی که هدف از کلام، جلب مشارکت گیرنده یا برانگیختن وی باشد، نقش انگیزشی یا ترغیبی زبان حقیقت می‌یابد. این کارکرد زبانی در تبلیغات نیز، نقش

مهمی دارد و به صورت امری و ندایی بازگو می‌شود و قابل ارزش‌گذاری از طریق صدق و کذب نیست. در واقع، یاکوبسن پیام‌هایی را که با هدف ایجاد واکنش و حرکت در گیرنده صورت می‌گیرد، کنشی می‌نامد.

۱-۴-۱. نقش فرازبانی: در این نقش، رمزها نمود پیدا می‌کنند که میان گوینده و مخاطب، مشترک هستند. در این نقش «زبان برای صحبت درباره خود زبان به کار برده می‌شود» (همان: ۷۵). نقش‌های فرازبانی به صورت قراردادی وضع می‌شوند و امکان تغییر و تحول در آنها به دلایل گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، دینی و ... وجود دارد.

۱-۴-۲. نقش ارجاعی: مهم‌ترین نکته در این کارکرد زبانی، موضوع پیام و امکان بررسی صحت و سقم موضوع است. این نقش و اهمیت آن، سبب می‌شود گوینده، جمله را به صورتی کاملاً روشن و بدون استفاده از واژه‌های چندمعنایی به گونه‌ای ادا کند که امکان بروز ابهام در معانی جمله میسر نشود. این نقش در متون علمی از کارکرد بیشتری برخوردار است؛ زیرا در این نوع متون، هدف از انتقال پیام، انتقال معانی ارجاعی آن است. نقش ارجاعی زبان را نقش توصیفی نیز، می‌نامند؛ چراکه در فرهنگ‌های توصیفی بیشتر از آن استفاده می‌شود. مثل: عمو، یعنی برادر پدر. این نقش همان نقش ارجاعی یا ارتباطی است.

۱-۴-۳. نقش همدلی: هدف از بازنمایی پیام در این نقش، ایجاد ارتباط، اطمینان از تداوم آن یا قطع آن است. مانند: الو صدایم را می‌شنوی؟ زمانی که گوینده پیام سعی دارد گستره مخاطبان خود را بشناسد، از این نقش استفاده می‌کند. در این صورت، مشخص می‌شود که چه میزان از مخاطبان به سخنان او گوش می‌دهند. اگرچه در این نظریه سعی شده است مرزبندی اولیه‌ای میان نقش‌های زبانی انجام شود، اما همان‌طور که یاکوبسن بیان می‌کند، مطلق‌انگاری این مرزبندی نادرست است و نمی‌توان متن و پیامی را در نظر آورد که صرفاً بر اساس یک نقش زبانی بیان شده باشد. به عبارت دیگر، گوناگون بودن کارکردهای یک پیام در این نیست که یکی از این چند کارکرد، نقشی انحصاری در آن پیام داشته باشد، بلکه در این است که ترتیب سلسله‌مراتب این کارکردها متفاوت باشد (همان: ۷۶-۴۰).

۱-۵. پیشینه تحقیق

پروین اعتصامی در میان شاعران کلاسیک‌سرای معاصر از جایگاه مهمی برخوردار است، به ویژه آنکه در فضای مردانه شعر فارسی، زنی چون او به شیوایی شعر سروده و با خلق سبکی منحصر به فرد، داشته‌های

فکری خود را در خدمت تعالی جامعه به کار گرفته است. به این اعتبار، در پژوهش‌های بسیاری، لایه‌های فکری سبک اشعار او به ویژه در حوزه تعلیم و تربیت کاویده شده است.

از این بین، قدسی (۱۳۸۲) در مقاله «نگاهی دوباره به شعر پروین اعتصامی، صاعقه ما ستم اغنیاست» به این نتیجه رسیده که قطعه مذکور، از جمله سروده‌های شاعر در مبارزه با بی‌عدالتی‌ها است که در آن به محتوای حدیث «اغنیائهم یسرقون زاد الفقرا» اشاره می‌کند. چاوش‌اکبری تبریزی (۱۳۸۰) در کتاب حکیم بانوی شعر فارسی، زندگی و شعر پروین اعتصامی به مقوله ستم‌ستیزی شاعر اشاره کرده است. شریف‌پور و مرجع‌زاده (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی بازتاب روحیات پروین اعتصامی در توصیه‌های اخلاقی وی» به این نتیجه رسیده‌اند که ستم‌ستیزی، توجه به وضع محرومان و ستم‌دیده‌ها، توجه به زوال و ناپایداری جهان، توجه به مرگ و کوتاهی عمر و حس عدم امنیت، از جمله مصادیق روحیات پروین بوده است. نورایی و عزیزی (۱۳۹۴) در مقاله «دستور زبان روایت در ادبیات تعلیمی با تکیه بر ساختار روایت و جایگاه روایت-شنو در مناظرات پروین اعتصامی» به این نتیجه رسیده‌اند که در مناظرات پروین، گونه روایت‌شنو از نوع روایت‌شنو بیرونی است و گاه به پنهان‌شنو تبدیل می‌شود.

مدرس‌زاده و ارباب‌سلیمانی (۱۳۹۵) در مقاله «زنانگی ادب تعلیمی، رهاننده پروین از اضطراب تأثیر» به این نتیجه رسیده‌اند که وی با در نظر داشتن تحولات سیاسی و فکری روزگار خود، همه راه شاعری را با شاعران متقدم- و البته مرد- نپیموده است و بر اساس سبک شخصی خود، مبتکرانه رفتار کرده است. صدرایی (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل آموزه‌های تعلیمی در بررسی بینامتنی دو اثر (پروین اعتصامی و انوری)» به این نتیجه رسیده است که شاعری چون پروین که به متون گذشته آگاهی دارد، صید تعلیم و اخلاق را از تور نقد اجتماعی انوری بیرون می‌کشد و آن را با تغییر شخصیت‌ها و تکنیک‌های خاص با جذابیتی تأثیرگذار بیان می‌دارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون در هیچ پژوهشی ظرفیت‌های اخلاقی و تعلیمی سطح فکری شعر پروین با رویکرد به نظریه ارتباط کلامی یا کوبسن، کاویده نشده است. بنابراین، در تحقیق حاضر برای نخستین بار به این خلأ پژوهشی پرداخته می‌شود. عناوینی که در این پژوهش برای بازنمایی سبک شعری پروین به کار گرفته شده، با توجه به این‌که برآیند دیدگاه ساختارگرای یا کوبسن است، مسبوق به سابقه نیست و نوآوری دارد. هم‌چنین، سعی شده است بر پایه مبانی نظریه یا کوبسن، ارتباط میان اخلاقیات و

مسائل اجتماعی- فرهنگی و کارکرد نقش‌های زبانی در کیفیت تبیین آن بررسی شود. این مهم در تحقیقات پیشین مغفول مانده و اشاره‌ای به آن نشده است.

۲. بحث اصلی

پروین اعتصامی در اشعار خود، نوعی طرز تفکر را پیگیری می‌کند و صرفاً برای تفنن و قدرت‌نمایی ادبی، شعر نمی‌سراید. در سراسر دیوان اشعار او می‌توان خط سیر فکری مشخصی را مشاهده کرد که منجر به شکل‌گیری سبک ادبی ویژه‌ای شده است. او پیام‌های متنوعی را می‌آفریند و در اختیار مخاطبان خود قرار می‌دهد تا بر شعور و آگاهی آنان در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و ... بیفزاید و آنان را از شخصیت‌هایی منفعل و ایستا در جامعه به افرادی پویا و خودساخته بدل نماید. او برای تحقق این آرمان خود، شعرهایش را به عرصه‌ای برای جولان کنش‌های ارتباطی بدل کرده و با تشخیص اینکه عدم توجه گروه هدف به اخلاقیات، موجب ناکامی آنها در عرصه‌های مختلف شده است، پیام‌هایی اخلاقی را تولید می‌کند و مسائل معرفت‌افزای متنوعی را در کلیت دیوان خود، از جمله در قصیده «این سیه مار جهان را شده افسونگر» بازتاب می‌دهد. در این بخش، ذیل عناوین «نقش‌های ترغیبی، ارجاعی، همدلی، عاطفی، ادبی و فرازبانی»، رویکردهای تعلیمی و اخلاقی پروین اعتصامی در قصیده مذکور بازکاوی شده است.

۱-۲. نقش ترغیبی

زمانی که جهت‌گیری پیام به سوی گیرنده باشد، نقش ترغیبی زبان برجسته می‌شود. در واقع، در نقش زبانی مذکور، فرآیند ارتباط‌گیری بر مخاطب متمرکز است که برجسته‌ترین مصداق آن، گزاره‌های امری، ندایی و دعایی است. البته، بسیاری از جملات خبری که به هدف ترغیب بیان می‌شوند، زمینه ترغیبی دارند. امکان صدق و کذب برای چنین جمله‌هایی وجود ندارد (یاکوبسن، ۱۳۷۶: ۷۴) و در فرهنگ عامه هم دیده می‌شوند. «آنچه مردم به وسیله زبان انجام می‌دهند، اجرای شفاهی کارکردهایی مشخص است. مردم به وسیله زبان تصدیق می‌کنند، می‌پرسند، دستور می‌دهند، اعتراض می‌کنند، ترغیب می‌کنند، عذرخواهی می‌کنند و غیره» (شهسواری، ۱۳۸۸: ۷۴).

در شعر پروین این نقش کارکرد ویژه‌ای دارد. «شعر او مجموعه‌ای است از توصیف‌ها، تشویق‌ها، اندرزها و نشان دادن سمت و سوی ذهنی خود به نفع مردم محروم» (بابایی، ۱۳۸۴، مقدمه: ۱۱). او سعی می‌کند مخاطبان خود را به انجام کار و تلاش دعوت کند. از این‌رو، ابتدا آن‌ها را خطاب قرار می‌دهد و از

این گروه با عنوان فریفتگان دنیای مارگون یاد می‌کند. سپس، با استفاده از فعل‌های امری مانند: «بنه، بکن، بر نه، بنگر، بگذار و بگذر»، منظور خود را که بازنمایی ماهیت این جهان عاریتی و بی‌وفا است، شرح می‌دهد. نقش ترغیبی در شعر پروین برای دعوت مخاطب به مبارزه با ایستایی، رسیدن به حقیقت و گسستن از پلیدی‌های مظاهر عالم مادی است. فعل‌هایی امری به کار رفته در شعر ذیل، موجی از تکاپو و انگیزش را برای تغییر موقعیت کنونی ایجاد می‌کند و فرد را جهت تلاش برای دریدن پیلۀ نامطلوب فعلی تهییج می‌نماید. در ژرف‌ساخت این رویکرد می‌توان تقابل با فرهنگ جبرگرایی را مشاهده کرد. شاعر برای مخاطبان خود، بایدها و نبایدهایی را تعیین می‌کند و بر اساس آن، توصیه‌هایی را در قالب شعر بازگو می‌کند. اگرچه بخشی از فرهنگ گفتمانی ادبیات تعلیمی فارسی به تسلیم بودن در برابر دنیای غداره اشاره دارد و آدمی را در چنگ این پدیده می‌داند، ولی پروین سعی می‌کند این ذهنیت را به گونه‌ای دیگر رقم بزند و مانع سقوط انگیزه در آدمی شود. او با کاربرد جملات امری و پندگونه، از نقش ترغیبی و انگیزشی زبان بهره جسته است؛ چراکه در پی ارتباط با مخاطب خود و القای هرچه بهتر تعالیم و مفاهیم اخلاقی است. «پروین به مظلومیت جهان بشریت می‌اندیشید و نژاد و کیش و ملیت برای او مطرح نیست» (چاوش‌اکبری تبریزی، ۱۳۸۰: ۷۶). بنابراین، به مخاطبان خود توصیه می‌کند که کوشش برای برون‌رفت از بحران‌های مختلف از جمله دنیا دوستی را به عنوان یکی از بایسته‌های زندگی خود مورد توجه قرار دهند. پروین با بیانی سلبی و ایجابی، سعی دارد خط‌مشی مطلوبی از حیات طیبه ارائه دهد تا مشارکت‌گیرنده پیام جلب شود. هدف از بازگویی پیام‌هایی از این دست، ایجاد واکنش و حرکت در گیرنده (مخاطبان) است.

ای سیه مار جهان را شده افسونگر
نهد مارفسای از بد مار آخر
نیش این مار هر آن‌کس که خورد، میرد
و آنکه او مُرد کجا زنده شود دیگر؟!
بنه این کیسه و این مهره افسون را
به فسون‌سازی گیتی نفسی بنگر
بکن این پایه و بنیاد دگر بر نه
بگذار این ره و از راه دگر بگذر
(اعتصامی، ۱۳۳۳: ۵۶)

پروین با برتری دادن مخاطب بر دیگر عوامل ارتباطی، نقش ترغیبی را به عنوان نقش برتر مطرح می‌کند. آنچه اهمیت دارد، توجه فراوان او به آموزه‌های تعلیمی و حکمی، و ترغیب و تشویق مخاطب برای انجام آن است. شاعر با تأکید بر اهمیت مقولۀ نفس‌ستیزی، به این مهم اشاره می‌کند که برای مبارزه با این دشمن بدسرشت باید

از عناصر اندیشه و مشورت بهره برد تا شکست در زندگی آدمی به وجود نیاید. شاعر کارکردهایی مشخص را بازنمایی می‌کند و گیرندگان پیام را دعوت می‌کند تا با شناخت ظرفیت‌های درونی خود، برای رسیدن به اهداف متعالی پیش‌قدم شوند. در باور پروین، اندیشه جایگاهی ارزشمند دارد. از این‌رو، گرایش به آن را توصیه می‌کند. او در ادامه معیار جدیدی را برای تشخیص انسان خوب از بد تعیین می‌کند و اعلام می‌دارد کسانی که دارای ذهنی شکوفا هستند، هرگز دل به سنج‌های دنیایی نمی‌بندند و برای برکشیدن خود به آن تکیه نمی‌کنند. پروین در این رابطه به مؤلفه‌های ثروت و نسب اشاره می‌کند و آن را از مظاهر بی‌اعتبار دنیایی می‌شمارد. هدف او این است که ابتدا ضدارزش‌ها را تعیین کند و مخاطب را برای دوری گزیدن از آن دعوت نماید و در گام بعدی، مؤلفه‌های اخلاقی مطلوب و مورد نظر خود را شرح دهد.

پروین با این توصیف، سنج‌های جدیدی را برای ارزش‌گذاری در جامعه مطرح می‌کند که نه تنها مبتنی بر ستایش مال و نسب نیست، بلکه بر پایه ارزش‌های معرفتی شکل گرفته است. در برابر این ضدارزش‌ها (مال و نسب‌ستایی)، دو عنصر ادب و هنر به عنوان ارزش معرفی می‌شوند و مخاطب به انجام آن ترغیب می‌شود. این تقابل‌ها بر گستره درک مخاطب از مفاهیم اخلاقی و بایدها و نبایدهای حکمی می‌افزاید. پروین با تعیین بایسته‌هایی در فرآیند اخلاقی، به مخاطبان خود درس زندگی می‌دهد.

جهت کن تا خرد و فکرت و رای هست	آنچه دادند بگیرند ز ما یکسر
نفس بدخواه ز کس روی نمی‌تابد	گر تو زان روی بتابی چه ازین بهتر ...
ز ادب پرس، مپرس از نسب و ثروت	ز هنر گوی، مگوی از پدر و مادر
مکن این‌گونه تبه جان گرامی را	که به تن هیچ نداری تو ز جان خوش‌تر

(همان: ۵۷-۵۸)

۲-۵. نقش ادبی

در این نقش، جهت‌گیری پیام به سمت خود پیام است. این کارکرد زبانی پیونددهنده زبان و ادبیات است که با بهره‌گیری از آن، یعنی کاربرد علوم بلاغی و زیبایی‌شناسی، می‌توان بر تأثیرگذاری سخن افزود. «در کارکرد ادبی زبان، به ساختمان صوری زبان، توجه بیشتری می‌شود» (مکاریک، ۱۳۸۵: ۱۵۸) و شاعر از این طریق، مفاهیم خود را با نگاهی زیبایی‌شناسانه بازتاب می‌دهد. در حقیقت، گوینده به دلایل مختلف مانند: تأثیر بیشتر کلام خود، نشان دادن فصاحت، بلاغت و در نتیجه، برتری معنوی خویش، کسب شخصیت و مقام، برانگیختن تحسین و تمجید دیگران و غیره، به آراستن کلام خود می‌پردازد و سخن

خویش را به گونه‌ای آهنگین می‌آراید و حتی گاه بدون آنکه به معنی توجهی داشته باشد، فقط ظاهر سخن را تزئین می‌کند (باقری، ۱۳۷۳: ۱۰۵).

در شعر پروین، صنایع لفظی و معنوی در خدمت آراستن محتوای کلام قرار دارند. او سعی می‌کند از شماری از آرایه‌ها برای برجسته‌کردن سخن خود بهره‌برداری کند تا در نهایت، رویکردهای خود را با کیفیت مطلوب‌تری با گروه هدف در میان بگذارد. به بیان دیگر، پروین صنایع ادبی را برای انعکاس بهتر لایه‌های فکری خود به کار می‌گیرد. او به مخاطبان خود توصیه می‌کند تا نگاهی انتقادی به کرده‌های خود داشته باشند تا بتوانند هم‌چون سوهان، جان و دل خود را صیقل دهند و وجود خویش را بستری مطلوب برای انعکاس خوبی‌ها قرار دهند. در برابر، شاعر باور دارد کسی که همچون آتش باشد، دامن خود را می‌سوزاند. منظور از این کنایه، بروز بحران‌های هویتی و شخصیتی بسیار در صورت عدم توجه به خودمراقبتی است. تضادهایی که در شعر ذیل میان «گل و خار» وجود دارد، فضای ذهنی مخاطب را پیوسته به سوی ستیز میان اخلاق و ضد اخلاق هدایت می‌کند و موقعیت او را در صورت تخلق به نیکویی‌ها و عدم تخلق به ان، بازنمایی می‌کند. همچنین، کاربست مجموعه‌ای از جناس‌ها (بی‌خودی، خود)، مراعات‌النظیر (گل، خار، رویدن، پرتو)، استعاره (کشتی بی‌لنگر که استعاره از دنیا است) و ... بر غنای ادبی رویکردهای تعلیمی شاعر افزوده و کلام خود را از معیارهای زبانی معمول خارج کرده است تا مسائل اندرزی را در نگاه شنونده، جذاب‌تر نماید.

از تن خویش بسایی چو شوی سوهان	دامن خویش بسوزی چو شوی اخگر
تو بدین بی‌پری و خردی اگر روزی	بپری، بگذری از مهر و مه انور
ز تو حیف ای گل شاداب که رویدی	با چنین پرتو رخسار به خار اندر
تو چنان بی‌خودی از خود که نمی‌دانی	که تو را می‌برد این کشتی بی‌لنگر

(اعتصامی، ۱۳۳۳: ۵۷)

پروین قضا و قدر را چون انسانی زورمند تصور کرده است (استعارهٔ مکنیه) که همواره قصد ضربه زدن به دیگران را دارد و در جستجوی شکار است. در چنین شرایط حساسی، شماری از افراد که از حساسیت موضوع غافل هستند، بی‌پروا رفتار می‌کنند. تشبیه وقت به برق و آدمی به پرنده این مفهوم را بازنمایی کرده است. شاعر سعی می‌کند با استفادهٔ بجا از صنایع ادبی، معیارهای جدیدی را برای ارزش-

گذاری و اعتباربخشی به انسان مطرح کند و به بخش عمده‌ای از مخاطبان خود که غافل هستند، یادآور شود که با توجه به کنش‌هایی که انجام می‌دهند، نتیجه‌ای مطلوب یا نامطلوب را تجربه می‌کنند. وجود آرایه‌های جناس (جناس مذیل بین باز و بازی؛ جناس تام بین باز به معنی نام پرنده و باز به معنی گشوده)، واج‌آرایی (واج ش در بیت سوم)، استعارهٔ مکنیه (خوار شدن عقل و زار کشتن روح)، استعارهٔ مصرحه (گلشن خوش-منظر) و ... زنجیره‌ای از تصاویر هنری و شعری را به وجود آورده و در لایه‌های زیرین خود، مفهوم اخلاقی عدم غفلت از دنیا را بازنمایی کرده است. هم‌چنین، پروین از ظرفیت‌های ارتباطی کنایه به بهترین شکل استفاده کرده است. او ابتدا به کنایهٔ رسیدن مشک و دیوار از چین و شوشتر اشاره می‌کند تا به مخاطب خود یادآور شود که کم‌کاری و قصور در انجام وظایف انسانی، او را از نعمت‌ها دور می‌کند. هم‌چنین، باور دارد که غفلت انسان در برابر دنیا شبیه به قرار دادن شمع در برابر باد تند و افشای رازهای مگو در برابر شیطان است. طبیعتاً نتیجه و برآیند این اقدامات نسنجیده، زیان آدمی در دو سرا خواهد بود.

پنجۀ باز قضا باز و تو در بازی وقت چون برق گریزان و تو در بستر ...
 تو زیان کرده‌ای و باز همی‌خواهی مُشکت از چین رسد و دیبهات از شُستر ...
 چه بری نام ره خویش بر شیطان چه نهی شمع شب خود به ره صرصر
 عقل را خوار کند دیدهٔ ظاهرین روح را زار کُشد مردم تن‌پرور
 چون تو، بس طائر بی‌تجربهٔ خوش‌خوان صید گشته است در این گلشن خوش‌منظر
 (همان: ۵۸)

پروین دل را شبیه به چراغی می‌داند که می‌تواند دنیای انسان را روشن کند و سیاهی‌های جهل را از میان بردارد. در این صورت، پرتو اندیشهٔ او از خورشید هم فراتر می‌رود (تشبیه تفضیلی). عبارت دامن نیالودن، کنایه از پاک ماندن است. او آلوده نشدن به مظاهر دنیایی را یکی از بازخوردهای مطلوب روشن‌دلی نوع بشر می‌داند. او برای تأیید کلام خود از تمثیلی ملموس و عینی استفاده می‌کند و کلاه را به اعتبار وجود سر، دارای ارزش می‌داند و در ادامه می‌گوید که وقتی سر از بین برود، طبیعتاً کلاه هم بی‌اعتبار خواهد بود. این بدان معناست که خودسازی در اولویت قرار دارد و این‌گونه می‌توان به پدیده‌های اطراف خود اعتبار بخشید. به بیان دیگر، اگر آدمی قدر خود را بداند و مراقب کنش‌های خویش باشد، نه تنها دیگر چیزها به او اعتبار نمی‌بخشند، بلکه اوست که موجب ارزشمندی آن پدیده‌ها می‌شود. طبیعتاً رسیدن به این جایگاه معرفتی، بسیار دشوار است.

به چراغ دل اگر روشنی افزایی جلوۀ فکر تو از خور شود افزون تر
 دامت را نتواند که بیالاید هیچ آلوده، گرت پاک بود گوهر
 کله از رتبت سر مرتبه‌ای دارد چو سر افتاد، چه سود از کله و افسر
 (همان: ۵۹)

پروین نگاهی منفی و نامطلوب به روزگار و چرخ دارد و از آن با عنوان سیاه‌کار یاد می‌کند. در چنین رویکردی نوعی انسان‌نگاری (تشخیص) دیده می‌شود. او در ادامه، جسم آدمی را همچون کودک و جان را دایه آن می‌داند. این بدان معناست که از نگاه شاعر، انسان دارای دو ساحت زمینی و معنوی است. برای تقویت ساحت معنوی باید به عقل و علم تکیه کرد. عقلی که چون مادر و علمی که چون دختر آن مادر است. همهٔ مشبه‌ها (غیر از جسم) در تشبیه‌های بیت دوم از نوع معقول هستند و برای بازنمایی آن از مشبهٔ-به‌های محسوس (کودک، دایه، مادر و دختر) استفاده شده است. شاعر در مصراع اول از بیت سوم، ابتدا به ارزش علم‌آموزی اشاره می‌کند و مخاطبان خود را با این گزاره آشنا می‌سازد. سپس در مصراع دوم، تمیلی را شرح می‌دهد تا کلام خود را به گونه‌ای دیگر بازنمایی کند. او علم را شبیه به عود می‌داند که به دلیل برخوردار از ماهیتی خوش‌بوکننده، در هر مکان و موقعیتی قرار بگیرد، رسالت خود را انجام می‌دهد. علم نیز، بدین صورت عمل می‌کند.

آنچه آموخت به ما چرخ، سیه‌کاری‌ست
 جسم چون کودک و جانست ورا دایه
 علم نیکوست، چه در خانه چه در غربت
 عود خوش‌بوست، چه در کاسه چه در معجر
 کاخ دل جوئی از کوی تن مسکین
 شمش زر خواهی از کورهٔ آهنگر
 (همان: ۶۰)

۲-۳. نقش ارجاعی

در این نقش، واقعیت‌هایی که قابل لمس هستند و در عالم خارج مابه‌ازا دارند، تشریح می‌شوند. «وقتی از موضوعی قابل درک سخن می‌گوییم و قصدمان انتقال مفاهیم خاص به مخاطب است، با نقش ارجاعی زبان مواجه‌ایم، به این معنا که همهٔ عناصر و اجزای یک جمله جهت تبیین و توضیح مورد بحث، ترکیب می‌شوند و شنونده را به این موضوع اصلی ارجاع می‌دهند» (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۹۹). در نقش ارجاعی، «مسألهٔ اساسی همانا

فرمول‌بندی اطلاعات حقیقی، عینی، قابل مشاهده و اثبات‌پذیر در باب مرجع پیام است» (گیرو، ۱۳۸۰: ۲۰).
جملات خبری که قابل صدق و کذب باشند، از نقش ارجاعی برخوردارند (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۲).

شاعر برای بازنمایی اندیشه‌های اخلاقی خود از مصداق‌های فرهنگی که ریشه در واقعیت‌های جامعه دارند، استفاده می‌کند. او سعی دارد از موضوعاتی سخن بگوید که برای مخاطبان قابل درک هستند و در عالم واقعیت، نموده‌های آن از سوی گروه هدف درک شده است. کارکرد ارجاعی به بافت برون‌متنی شعر اشاره دارد. بر این پایه، پروین به ماجرای دینی و قرآنی سلیمان نبی و جنی اشاره می‌کند که نگین انگشتی او را می‌دزد و قدرت و مکنت برای مدتی از پیامبر خدا دور می‌شود. در واقع، پروین با اشاره به این موضوع که بینامتنیت شعر او را تأیید می‌کند، مفهوم عاریتی بودن داده‌های دنیایی را یادآور می‌شود. ابیات ذیل با واقعیت‌های عالم خارج همسو و منطبق است. شاعر از این حقیقت عینی در راستای نقش ارجاعی و به انگیزه ترغیب مخاطبان به دنیاستیزی استفاده کرده است. بنابراین، اصل موضوع در کانون پیام پروین قرار دارد.

تو دگر هیچ نداری ز سلیمانی
اگر این دیو ز دست برد انگشتر
(اعتصامی، ۱۳۳۳: ۵۹)

پروین با اشاره به واژه‌ها و اصطلاحات مرتبط با بازار، گفتمان مورد نظر خود را شکل می‌دهد. او از ظرفیت‌های فرهنگ مبادله‌گری و داد و ستد در بازار بهره می‌گیرد تا بتواند مفهومی اخلاقی را بازنمایی کند. بنابراین، ارجاع اصلی به حوزه بیرون از متن است. او به مخاطبانی که با دنیا معامله می‌کنند، با بیانی طعنه‌آمیز اعلام می‌دارد که هرگز در این داد و ستد به سود دست پیدا نمی‌کند و زیان‌های متعددی را تجربه خواهند کرد. بنابراین، برای رسیدن به منفعت باید همچون سوداگران بازار عمل کرد. یعنی باید تن به معاملاتی داد که به سود خریدار باشد. او در بیت دوم با الهام از طبیعت به عنوان واقعیت جهان خارج، مقام و جایگاه انسان را در میان موجودات ستایش می‌کند و او را برتر از مورچه و مرغ می‌داند که با کوچک‌ترین حادثه‌ای آسیب ببینند.

این توصیفات بدان معناست که آدمی باید همواره در موقعیت‌هایی مطلوب قرار گیرد تا دچار مشکل نشود. در بیت سوم، فرهنگ عرفانی به عنوان واقعیتی ملموس در جهان خارج از متن، بازنمایی شده است. پروین به کیفیت سلوک عارفان اشاره می‌کند و این واقعیت را شرح می‌دهد که سالکان هرگز گام در وادی‌های ناشناخته نمی‌گذارند. همچنین افراد خردمند در هر ساغری باده نمی‌نوشند. این بیت که جنبه‌ای

تمثیلی و کنایی هم دارد، در انتقال این پیام به مخاطب که تن به دنیای دنی ندهند و به سادگی خود را در موقعیت معامله با آن قرار ندهند، اثری مستقیم و برجسته دارد.

رو که در دست تو سرمایه و سودی نیست سود باید که کند مردم سوداگر
تو نه‌ای مور که مرغان بزندت ره تو نه‌ای مرغ که طفلان بکنندت پر
سالکان پا ننهادند به هر برزن عاقلان باده نخوردند ز هر ساغر
(همان: ۵۸)

۴-۲. نقش همدلی

زمانی که جهت‌گیری پیام به سوی مجرای ارتباطی معطوف شود، کارکرد زبان، همدلانه خواهد بود. یاکوبسن عقیده دارد «هدف برخی از پیام‌ها این است که ارتباط برقرار کنند و موجب ادامه ارتباط شوند یا ارتباط را قطع کنند. برخی دیگر عمدتاً برای حصول اطمینان از عمل کردن مجرای ارتباط است. مانند: «الو صدایم را می‌شنوی؟ یا فهمیدی چه گفتم؟» (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۲).

پروین اعتصامی در شعرهای خود به برقراری ارتباطی دوسویه و پویا با مخاطبان خود اهمیت می‌دهد و سعی می‌کند زمینه‌ای را در اشعار خود فراهم کند تا مشارکت مخاطب در فهم متن تولیدی و درک مفاهیم مستتر در آن افزایش یابد. از این‌رو، سعی می‌کند گاهی مخاطب خود را خطاب قرار دهد و با او وارد گفتگو شود. هدف پروین این است که نوعی چالش ذهنی هدفمند در ذهن شنونده پدید آورد و او را در فرآیند تحلیل نگرش خود دخالت دهد. از این طریق، ضمن آنکه همدلی ضمنی میان فرستنده (پروین) و گیرنده (مخاطب) حفظ می‌شود، منظور و غرض شاعر از خلق قصیده «این سیه مار جهان را شده افسونگر» تحقق پیدا می‌کند. عدم عدول اخلاقی افراد جامعه از معیارهای انسان‌ساز یکی از نکات مهمی است که پروین در اشعار خود پیگیری می‌کند. برای او این اصل در اولویت قرار دارد که اعضای جامعه تحلیل و شناخت دقیقی از سنج‌های اخلاقی و کمال‌افزا به دست آورند و تفاوت میان سره و ناسره را تشخیص دهند. بنابراین، در برخی از ابیات به صورت بی‌واسطه با آن‌ها سخن می‌گوید و افکار خود را به اشتراک می‌گذارد.

او با ایجاد تقابل میان واژه‌های کلیدی «خداپرستی» و «بت‌خانه»، گفتمان حق و باطل را تقویت می‌کند و شنونده را خطاب قرار می‌دهد و از این طریق، از توجه وی اطمینان حاصل می‌کند. در واقع، وقتی شاعر در این بیت، پرسشی را مطرح می‌کند، بر آن است تا حضور طرف مقابل را در کلیت شعر

خود، درک کند. این تجربه دوسویه می‌تواند صمیمیت فکری میان خالق اثر و خواننده آن را قوت بخشد. در نتیجه، پروین با کاربست ضمائر پیوسته و گسسته دوم شخص مفرد، فاصله موجود میان فرستنده و گیرنده را به حداقل می‌رساند. با عنایت به کارکردهای نقش زبانی همدلی، رفع خلأهای احتمالی در شعر قابل تصور است.

تو خداوندپرستی، نسزد هرگز کار بت‌خانه گزینی و شوی بتگر؟! (اعتصامی، ۱۳۳۳: ۱۸)

هدف پروین در ابیات ذیل، ایجاد همدلی و اتحاد فکری و اخلاقی میان خود و مخاطبانش است. او که باورش را درست و منطقی می‌داند، سعی می‌کند این اندیشه را به دیگران انتقال دهد و با ایجاد نوعی پیوستگی فکری، بسترهای لازم را برای انجام تحولات شخصیتی فراهم کند. او به گروه هدف (مخاطبان) هشدار می‌دهد که هرگز عزت و اقتدار خود را در پای دونان نریزند و از آنها خواهشی نداشته باشند. او با کاربست شگرد استفهام انکاری، مخاطب را در فرآیند تبیین آموزه‌های اخلاقی شریک می‌کند. در شعر ذیل، از سویی افراد نامتشخصی حضور دارند که به مبانی اخلاقی بی‌توجه هستند و در سوی دیگر، مردمان عادی دیده می‌شوند که از دید پروین، امکان پیوستن آنها با نابکاران وجود دارد. در نتیجه، مستقیماً و بی‌پرده با آنان سخن می‌گوید تا از عواقب این کنش آگاه شوند. البته، نقش ادبی با نقش همدلی درمی‌آمیزد تا مفهومی که شاعر در نظر دارد، هرچه بهتر بازنمایی شود. او با تمثیل طاووس و کرکس، شکاف عمیق میان انسان شایسته و شایسته‌نما را نشان می‌دهد. پروین که به درستی با صفات افراد مقابل خود آشناست و حربه‌های آنان را می‌داند، سعی می‌کند با آگاه‌سازی هم‌قطاران خود، موجب انسجام در میان آنان شود و مرز میان خودی و غیرخودی را آشکار کند. به بیان دیگر، او قصد دارد با آگاهی‌رسانی به مخاطبان، نوعی همدلی در آنها به وجود آورد و قصد خود را مبنی بر افزایش گستره معرفت و شعور زیستی افراد ثابت کند.

به تن سوختگان چند شوی پیکان به دل خسته‌دلان چند زنی نشتر
چه کِشی منت دونان به سر هر ره چه روی در طلب نام به سوی هر در
پر طاووس چه بندی به دُم کرکس چو دُم آراسته گردد، چه کُنی با پر
(همان: ۶۰-۵۹)

یاکوبسن عقیده دارد هرگاه گوینده و مخاطب بر سر استفاده از رمز به توافق برسند، سوگیری پیام به سوی رمز خواهد بود که معمولاً در تمامی زبان‌ها، از این نوع نقش به فرازبانی تعبیر می‌شود. سازه مرکزی این نقش، رمز است که در حوزه زبانی، مربوط به واژگان، اصطلاحات و غیره است که توضیحاتی درباره آن داده می‌شود (علوی‌مقدم، ۱۳۷۷: ۲۳۴).

یکی از این رمزها که باید ویرای قواعد زبانی تحلیل شود، دیو نام دارد که ریشه در فرهنگ دینی ایرانیان باستان دارد. اگرچه دیو در فرهنگ دینی آریایی‌های نخستین، پدیده‌ای مطلوب و خوشایند به حساب می‌آمد و خدایان را به این نام می‌خواندند، اما در فرهنگ زرتشتی که مبتنی بر باور تک‌خدایی (اهورامزدا) است، دیوها در تقابل با این خدای محوری قرار گرفتند و طرد و نفی شدند. پس از ظهور زرتشت و تبیین این باور، دیو دچار دگردیسی معنایی گردید و به عنوان پدیده‌ای اهریمنی و در تقابل با خوبی‌ها قرار گرفت و به عنوان مظهر و نمود کژی و زشتی معرفی گردید. با این توصیف، پروین مخالفان مردم و دشمنان ملت را که عمدتاً به بدنه حاکمیت وقت تعلق دارند، دیوصفتانی می‌داند که هدفی جز تباهی زندگی دیگران ندارند. بنابراین، دیو در ابیات ذیل رمزی از اعمال حکومت است که با سیاست‌های ناروای خود مردم را به در یوزگی و ابتذال فکری و شخصیتی کشانده‌اند و امکان رشد و تعالی در زمینه‌های گوناگون از جمله اقتصادی را از آنان دریغ داشته‌اند. این دیوسیرتان انسان‌نما عامل اصلی گرسنگی، مزدوری، بیگاری و انحراف و ابتذال افراد دانسته شده است. پروین به واسطه کاربست رمزی با بن‌مایه دینی و تاریخی، موفق به ارائه نقدی سیاسی و اجتماعی بر اساس نیازهای روز جامعه شده است که این مهم یکی از رازهای مانایی اشعار او محسوب می‌شود.

پروین در بسیاری از اشعار خود سعی دارد تقابلی میان درستی و نادرستی ایجاد کند و با تعیین مرزبندی میان نیک و بد بر گستره بینش مخاطبان خود بیفزاید. سنجه‌هایی که شاعر تعیین می‌کند، معمولاً با موضوعات اخلاقی گره خورده است. در این راستا، پروین به واژه‌هایی چون: «دام»، «مرغک»، «لانه»، «کبوتر»، «شاهباز»، «شیر»، «مرغ سعادت»، «قفس» و ... اشاره می‌کند تا در یک نگاه کلی، مفاهیم خودباوری و دنیاستیزی را تشریح نماید. این واژه‌ها به ترتیب رمزی از «وسوسه‌های این جهانی»، «انسان ساده‌نگر»، «پیلۀ تنیده‌شده به دور آدمی»، «انسان گرفتار و دربند»، «دنایای دنی»، «انسان خودباور»، «انسان نیک‌انجام» و «دنایای دنی» است.

این رمزها دست‌کم دو ویژگی بارز دارند: نخست آنکه از نوع حیوانی هستند و دیگر آنکه، ساده به نظر می‌رسند و مخاطب به دلیل تکراری بودن رمزها، به سادگی از لایه‌های زیرین معنایی آن آگاه می‌شود؛ زیرا

مصادق‌ها آن برای دو طرف (شاعر و مخاطب) آشنا و پذیرفته شده است. با عنایت به این پیش‌انگاره‌های ذهنی که در سروده‌های متعددی دیده می‌شود، رمزهایی در شعر ذیل بازگو شده‌اند که در بازنمایی غرض شاعر اثری ملموس دارند و بر کیفیت لایه‌های فکری سروده‌های شاعر می‌افزاید و خویشکاری و تعهد ادبی او را به میزان قابل توجهی ارتقا می‌دهد.

دام‌ها بنگری ای مرغک آسوده اگر از روزنه لانه برآری سر
این کبوتر که تو بینش چنین بی‌خود شاهبازیش گرفته‌ست به چنگ اندر
آخر ای شیر ژیان، بند ز پا بگسل آخر ای مرغ سعادت، ز قفس بر پر
(اعتصامی، ۱۳۳۳: ۵۹)

در شعر پروین، استفاده از عناصر نمادین و رمزی با طبیعت گره خورده است. او با اشاره به ماجرای معروف پروانه و شمع به بازنمایی افکار خود می‌پردازد. او پروانه را نماد و رمزی از انسان عاشق مدهوش می‌داند که خویشتن را به طور کلی فراموش کرده و تنها زمانی متوجه دنیای اطراف خود می‌شود که کار از کار گذشته است. در واقع با این بیان نمادین، وضعیت انسانی تشریح می‌شود که به طور کلی محو و مدهوش دنیا شده و آن را به عنوان معشوقه خود برگزیده و زمانی متوجه ماهیت آن می‌شود که هستی خود را از دست داده و دیگر توانی برای بازیابی خود ندارد. در واقع، نماد پروانه دست‌مایه بازنمایی اندیشه دیاستیزی شاعر قرار گرفته است.

سوخت پروانه و دانست در آن ساعت که شد اندام ضعیفش همه خاکستر
(همان: ۵۹)

۲-۶. نقش عاطفی

این نقش، زبان حال گوینده و بیانگر احساس درونی او به موضوعی است که درباره آن سخن می‌گوید. «این احساس عاطفی می‌تواند واقعی باشد یا این چنین وانمود شود» (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۲۶۳). در این کارکرد، جهت‌گیری پیام به سوی گوینده است. «یاکوبسن معتقد است که نقش صرفاً عاطفی زبان، در حروف ندا تظاهر می‌یابد. مانند: ای وای! یا در اصواتی مانند: نچنچ و جز آن. این همان نقشی است که مارتینه آن را با اندکی گسترش، حدیث نفس می‌نامد» (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۱) و در بسیاری از آثار ادبی نمود دارد.

نقش عاطفی به مثابه جریانی سیال در کلیت شعر پروین دیده می‌شود. او در غالب ابیات احساسات خود را که عمدتاً مبتنی بر نفی دنیاست، بازگو می‌کند. از دنیای غدار و غیرقابل اعتماد می‌نالد و آن را

نکوهش می‌کند و عواطف منفی و نامطلوب خود را نسبت به این موضوع شرح می‌دهد. شاعر از این‌که عده‌ای از هم‌نوعان خود را گرفتار دنیا و مظاهر این جهانی می‌بیند، احساس مطلوبی ندارد و پیوسته آنان را از نزدیک شدن به این عروس هزارداماد بر حذر می‌دارد. او شاهد افول شأن و مرتبه انسانی کسانی است که دنیا را بر همه چیز برتری می‌دهند و شاخصه‌های اخلاقی و انسانی را از یاد برده‌اند. او این حس درونی را در بیشینه سروده‌هایش انعکاس داده است. در مجموع، می‌توان قصیده «ای سیه مار جهان را شده افسونگر» را دارای ماهیتی اخلاقی و اجتماعی دانست که مبتنی بر عنصر عاطفه شکل گرفته و پرورده شده است. ساختار اخلاقی پروین جنبه‌ای همگانی و اجتماعی دارد. او از درد مشترکی سخن می‌گوید که باید رفع شود. قوه عاطفه شاعر با من اجتماعی او گره خورده و موجب سرایش شعرهایی احساس‌محور شده است. شعری که در آن، عمدتاً نیازهای جمعی مطرح می‌شود، نه خواسته‌های شخصی و مردم و دغدغه‌های آنان در اولویت قرار می‌گیرد.

خون دل‌هاست در این جام شقایق‌گون تیرگی‌هاست در این نیلپری چادر
بهر وارون‌شدن از افراشت سر این رایت بهر ویران شدن آباد شد ای کشور
(اعتصامی، ۱۳۳۳: ۶۰)

چیرگی عنصر عاطفه در شعرهای پروین باعث می‌شود مخاطبان، خود را در این سروده‌ها ملاحظه کرده و با افکار پروین ارتباط بهتری برقرار کنند؛ زیرا خالق اثر را با خودشان همسو می‌بینند و درمی‌یابند که دغدغه و سوییۀ اصلی شاعر در ارتباط با مردم خلاصه می‌شود. در نتیجه، رغبت بیشتری برای دنبال کردن اشعار او پیدا می‌کنند. یکی از نشانه‌های چیرگی عنصر احساس در شعرهای پروین، وجود واژگانی با بار معنای اندوه‌آور است. همچنین، در سطح معنایی به مسائلی می‌پردازد که ذهن شنونده را به خود مشغول می‌دارد و تألمات درونی او را برمی‌انگیزاند. او در ابیات ذیل، نگرانی و اضطراب خود را از به خطر افتادن انسان‌ها شرح می‌دهد.

این وضعیت درونی و روحی، در قالب حمایت از مخاطبان دنیادوست و غافل از ماهیت حيله‌گرانه و اهریمنی این پدیده نمودار شده است. پروین در این بیت‌ها در کانون نقش عاطفی قرار گرفته و باور خود را درباره موضوعات مذکور به صورت مستقیم بیان کرده است.

زندگی پرخطر و کار تو سرمستی اهرمن گرسنه و باغ تو بارآور

عاقبت زار بسوزاندت این آش آخر کار کند گمرهت این رهبر
سیب را غیر خورد، بهر تو ماند سنگ نفع را غیر برد، بهر تو ماند ضرر
(همان: ۵۷)

۳. نتیجه گیری

در این پژوهش، نقش‌های زبانی و فرازبانی ذیل شش عنوان «ترغیبی، ارجاعی، همدلی، عاطفی، زبانی و فرازبانی» در قصیده «ای سیه مار جهان را شده افسونگر» بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که اخلاقیات در این شعر با تأکید بر مفهوم دنیاستیزی تبیین شده است. پروین از نقش ترغیبی برای دعوت مردم به اصلاح کنش‌هایشان استفاده کرده است. واکاوی این نقش نشان می‌دهد که چیدمان بایدها و نبایدهای اخلاقی در ذهن شاعر از قبل شکل گرفته و او به خوبی می‌داند که مخاطبانش در تقابل با دنیا و مظاهر آن باید چه واکنش‌هایی را انجام دهند و از چه کارهایی پرهیز کنند. در نتیجه، به صورت ندایی (کمتر) و امری (بیشتر)، نظرات خود را بازنمایی کرده است تا در نهایت، مخاطب را به مطلوبیات دنیای ذهنی خویش نزدیک‌تر کند. او در یک نگاه کلی، دنیادوستی را به عنوان مفهومی ضدارزش مطرح می‌کند و از مخاطبان خود می‌خواهد تا به آن وابسته نشوند. بنابراین ارزش‌های مهمول دنیایی مانند: نسب و ثروت در شعر پروین به رسمیت شناخته نمی‌شوند و تکیه کردن بر آن، اقدامی نابخردانه به حساب می‌آید.

در ساختار فکری پروین، ارزش‌ها با مسائل غیرمادی و معنوی گره خورده‌اند. استفاده از نقش ادبی، بیانگر این مهم است که بخشی از آراء اخلاقی شاعر از طریق کاربرست آرایه‌ها بازنمایی شده است. پروین این نقش را در سراسر قصیده تقویت می‌کند تا ضمن حفظ جنبه‌های ادبیت متن تولیدی، کلام اندرزی و توصیه‌محور خود را به مذاق درک و شعور مخاطب، مطلوب‌تر جلوه دهد و موجب اثرگذاری بیشتر مفاهیم مورد نظر خود شود. او استعاره، تشبیه، کنایه، تضاد و ... را به خدمت می‌گیرد تا اهمیت دنیاستیزی را شرح دهد و در مقابل، از فواید دوری‌گزینی از صفت مذکور سخن به میان آورد تا با ایجاد شرایط مقایسه‌ای ضمنی و غیرصریح، مخاطبان را آماده پذیرش نکات اخلاقی مورد نظر خود نماید.

پروین با کاربرست آرایه‌ها و صور خیالی، در گام نخست، ذهن زیبایی‌شناس مخاطبان خود را تحریک می‌کند شاعر با این روش هوشمندانه، سآمت ناشی از شنیدن پند و اندرز را به میزان قابل توجهی کاهش

می‌دهد و موجب بهبود فرآیند ارتباط‌گیری مخاطب با پیام بازنمایی‌شده در قالب ابیات مختلف می‌شود. **نقش ارجاعی** در این شعر، دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی شاعر را نشان می‌دهد. او واقعیت‌های محیطی را که در آن زندگی می‌کند، از زاویه نگرش خود شرح می‌دهد. نگاهی کلی به واقعیت‌های عینی و محسوس در این شعر، بیانگر اهمیت مقوله دنیاستیزی در ارتقای شخصیت افراد است. نقش ارجاعی با شخصیت‌های اسطوره‌ای چون سلیمان نبی^(ع) که ماهیتی دینی دارد، گره خورده است. شاعر از طریق بهره‌برداری از ظرفیت‌های اندرزی این داستان دینی، مفهوم بی‌اعتباری عالم و عاریتی بودن دهش‌های آن را یادآورد شده است.

از دید او، عدم خودمراقبتی باعث تباه شدن سریع‌تر این نعمات می‌شود. نقش ارجاعی دیگر به فرهنگ سلوک عرفانی بازمی‌گردد. پروین با اشاره به منش و سلوک عارفان که فرهنگی ریشه‌دار و غنی در دنیای اسلام است، مخاطبان خود را به پرهیز از اعتماد به دنیا و برگزیدن کنشی سالکانه سفارش کرده است. **نقش همدلی** بارها در ابیات مختلف این قصیده تکرار شده است. پروین قصد دارد در کلیت این شعر، از همراهی مخاطبان با کلام خود اطمینان حاصل کند. از این‌رو، نقش مخاطب را در خوانش متن با خطاب قرار دادن او برجسته‌تر می‌کند. به این معنا که گاهی کلامی را در ظاهر به صورت پرسش مطرح می‌کند تا به گروه هدف تلنگر بزند و او را در فرآیند بازنمایی مسائل تعلیمی دخالت دهد. پاسخ این سؤال‌ها از قبل مشخص است، اما پروین با کاربست این روش (استفهام انکاری) قصد دارد حضور مخاطب در کلیت قصیده از سوی خودش درک شود. **بررسی نقش فرازبانی** نشان می‌دهد که پروین با به‌کارگیری رمزهای حیوانی به شمه‌ای از کیفیت اخلاقی و رفتاری گروهی از افراد جامعه اشاره کرده است.

او سعی می‌کند با انتخاب رمزهایی ساده‌یاب، از ایجاد چندلایگی و تعقید در متن جلوگیری کند تا بر اثر مخربی بر درک مخاطبان از متن تولیدی نداشته باشد. با نظرداشت گستره مخاطبان این قصیده که از عوام و خواص هستند، پروین در کاربست نقش فرازبانی از مصداق‌های ساده و آشنا بهره گرفته است که این امر اثری مستقیم در ارتباط‌گیری مطلوب مخاطب با شعر دارد. **نقش عاطفی** در این قصیده، دنیای درونی پروین را که متعلق به مردم است، بازنمایی می‌کند. برتری قوه عاطفه و احساس در شعر او، نشان از چیرگی من اجتماعی بر من فردی دارد. مهم‌ترین نقش عاطفی که به عنوان جریان سیال (پیدا و پنهان) در کلیت

قصیده دیده می‌شود، بیان نگرشی منفی نسبت به دنیا و مافیهاست. او همواره در لایه‌های روساخت و ژرف-ساخت کلام خود، دنیا را نکوئیده و عواطف منفی خود را به این موضوع ابراز داشته است. بنابراین، نقش عاطفی در قصیده «ای سیه مار جهان را شده افسونگر»، به دو صورت نمودار شده است: ۱. در قالب ابیات گوناگون (روساخت) در کلیت فضای قصیده (ژرفساخت).

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- ۱- اعتصامی، پروین (۱۳۳۳). دیوان، به کوشش ابوالفتح اعتصامی، چاپ چهارم، تهران: مطبعة مجلس.
- ۲- _____ (۱۳۸۴). دیوان پروین اعتصامی به کوشش محمدتقی بابایی، چاپ دوم، تهران: نگاه.
- ۳- باقری، مه‌ری (۱۳۷۳). مقالات زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- ۴- چاوش‌اکبری تبریزی، رحیم (۱۳۸۰). حکیم بانوی شعر فارسی، زندگی و شعر پروین اعتصامی، چاپ دوم، تهران، ثالث.
- ۵- صفوی، کوروش (۱۳۸۰).، از زبان‌شناسی به ادبیات، تهران: سوره مهر.
- ۶- علوی‌مقدم، مهیار (۱۳۷۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر، تهران: سمت.
- ۷- گیرو، پیر (۱۳۸۰). نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگاه.
- ۸- مکاریک، ایرنما (۱۳۸۵). دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مه‌ران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- ۹- یاکوبسن، رومن، (۱۳۷۶). روندهای بنیادین در دانش زبان، ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس.

۱۰- _____ (۱۳۸۰). **زبان‌شناسی و شعرشناسی**، ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس.

ب) مقالات

- ۱۱- شریف‌پور، عنایت‌الله و مرجع‌زاده، سعیده (۱۳۹۳)، «بررسی بازتاب روحيات پروین اعتصامی در توصیه‌های اخلاقی وی»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال ۶، شماره ۲۲، صص ۹۶-۶۵.
- ۱۲- شهبواری، آنوشا و زاهدی، حمید (۱۳۸۸)، «ارائه مرجعی برای کارکردهای ارتباطی زبان فارسی»، مجله زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء، سال ۱، شماره ۱، صص ۹۷-۷۳.
- ۱۳- صادقی، لیلا (۱۳۸۹)، «نقش‌های سکوت ارتباطی در خوانش متون ادبیات داستانی»، مجله پژوهش ادبیات فارسی، شماره ۱۹، صص ۲۱۱-۱۸۷.
- ۱۴- صدرایی، رقیه (۱۳۹۵)، «تحلیل آموزه‌های تعلیمی در بررسی بینامتنی دو اثر (پروین اعتصامی و انوری)»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال ۸، شماره ۲۹، صص ۱۷۰-۱۵۳.
- ۱۵- قدسی، عابس (۱۳۸۲)، «نگاهی دوباره به شعر پروین اعتصامی، صاعقه ما ستم اغنیاست»، مجله سوره اندیشه، شماره ۵، صص ۵۳-۴۷.
- ۱۶- مدرس‌زاده، عبدالرضا و ارباب‌سلیمانی، صدیقه (۱۳۹۵)، «زنانگی ادب تعلیمی، رهاننده پروین از اضطراب تأثیر»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال ۸، شماره ۲۹، صص ۱۲۰-۹۱.
- ۱۷- نورایی، الیاس و عزیزی، لیدا (۱۳۹۴)، «دستور زبان روایت در ادبیات تعلیمی (با تکیه بر ساختار روایت و جایگاه روایت‌شنو در مناظرات پروین اعتصامی)»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۲۱۱-۱۸۵.

نمودار ۱. الگوی ارتباط کلامی یا کوبسن

